

روش حاشیه نگاری منشی خیالی رام بر کتاب اعجاز خسروی از امیر خسرو دهلوی

پرفسور دکتر مصباح الدین نرزیقول محمود زاده

رئیس دانشکده ادبیات

دانشگاه ملی تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان

چکیده:

به نسخه چاپ سنگی کتاب "اعجاز خسروی" که در لکهنو کشور هند صورت گرفته و یگانه نسخه چاپی دسترس از این کتاب می باشد، حاشیه مفصلی نگاشته شده است. این حاشیه تا اندازه ای در معرفت درست کتاب خدمت می نماید. از این رو، در این مقاله، با توجه به کار انجام شده، حاشیه نویسی که اسم او در کتاب مذکور نیست، از روی چند دلیل دسترس به شخصیت حاشیه نگار، قدر زحمت وی مساله های معرفت کلام فارسی در شبه قاره هند می پردازیم.

واژه های کلیدی: ادبیات فارسی شبه قاره، امیر خسرو دهلوی،

اعجاز خسروی، منشی خیالی رام، حاشیه، بررسی

حاشیه‌نویسی یکی از معمولترین شغل‌های ادبی در عصرهای میانه بوده، اگرچه از نگاه ماهیت به جریان شرح‌نگاری ارتباط دارد، از نگاه طریق‌نگارش و شیوه‌کار بین آنها فرقه‌های نظری و موقودند که در مثال حاشیه‌کتاب اعجازخسروی از امیرخسرو دهلوی بر ملا نمودار می‌گردند. اگر به سابقه‌تدقیق در این مسأله توجه بشود، معلوم می‌شود که جریان شرح‌نگاری بخصوص شرح آثار بدیعی در ادبیات‌شناسی تاجیک مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است. در این باره دانشمندان توانای تاجیک استاد عبدالمنان نصرالدین اف تدقیقات انجام داده و پیرامون مباحث شرح آثار ادبی کتابهای ارزشمند «نویسنده و شارح آثار ادبی» (نصرالدین اف، ۱۹۹۰م)، «معرفت و شرح ادبیات» (نصرالدین اف، ۱۹۹۱م) و در دو جلد کتاب «شرح نویسی در تاریخ ادب فارس- تاجیک» (نصرالدین، ۲۰۰۰م؛ نصرالدین، ۲۰۰۱م) را تألیف نموده است. اما در مسأله حاشیه‌نویسی همچون شاخه‌جداگانه معرفت ادبی، اگرچه در زمینه بررسی مسأله‌های معرفت کلام اشاره‌ها جای دارند، هنوز تدقیق جداگانه فراگر به میان نیامده است. انجام این کار باید از جمله وظیفه‌های اولین درجه ادبیات‌شناسی معاصر قرار بگردد.

نگارنده این سطور هنگام بررسی مسأله شرح‌نگاری همچون رویه معمول علمی در عصرهای سیزدهم و چهاردهم که این دوره به زمان زندگی امیرخسرو نیز راست می‌آید، جریان شرح‌نگاری را در آن زمان و به صورت جامع در ادبیات‌شناسی عصرهای میانه به سه رویه طبقه‌بندی نموده است:

(الف) تفسیر، تأویل و تنزیل قرآن؛

(ب) شرح‌نگاری به آثار بدیعی؛

(ج) شرح آثار علمی.

چنانچه این سه رویه را به حاشیه‌نویسی تطبیق می‌نماییم و کارحاشیه‌نویسی به اثر امیرخسرو را حاشیه‌نویسی به آثار علمی می‌نامیم.

در مورد نام و نسب شارح اثر امیرخسرو در متن حاشیه‌ای معلومات دسترس نگردید.

در خلال حاشیه نگاشته‌ها همینقدر معلوم می‌گردد که وی شاگرد مولوی احسان الله خان ممتاز بوده، و به استاد خویش به درجه‌ای عنایت تام داشته و رای او را از همه برتر می‌دانسته است. چنانچه ضمن توضیح لفظ “کبریا” بنا بر رعایه صنعت ترصیع، به قول استادش به صورت ذیل تکیه کرده است: “در بیشتر نسخ به جای “عظمت” لفظ “کبریا” مشتهر و از کبریا صنعت ترصیع هویدا نمی‌گردد. استاد بنده ممتاز الشعرا مولوی احسان الله خان ممتاز لفظ عظمت فرموده (که) صنعت ترصیع قائم ماند” (امیر خسرو، رساله یکم، ۵). همچنین در آخر صفحه مورد نظر، بیانش را مستفاد از استادش دانسته است. این تأکید دال بر این معنی است که شارح در ابراز نظر خویش خود خواه نیست، بلکه از اندیشه‌های استادش نیز سود جسته است.

مولوی احسن الله خان ممتاز شاعر هم بوده و در مورد شرح واژه “رقیب” همچون شاهد معنای بیت زیرین او نقل شده است:

رقیب رو سیه در دستم افتاد ست و دلشادم
که از بهر بلا گردانش زاغی کرده ام پیدا
(همو، رساله دوم، ۲۱۳)

بیت زیر نیز از همین شاعر است:

چه نطق و لب، چه رنگ و بو، چه جسم است؟
ز کیف خوبی اش هر پنج حس مست!
(همو، رساله یکم، ۱۱۶)

مشخص کردن شخصیت حاشیه نویس را با توجه به مطالب تقریظی که در آخر نسخه چاپ لکهنوی جای دارد، ممکن است. تقریظ مذکور به زبان اردو و به قلم منشی غلام محمد خان نوشته شده است. به مقصد دسترسی اهل تدقیق به این تقریظ، متن کامل آن را در شکل ترجمه که با یاری برادر ارجمندم دکتر محمد ناصر پاکستانی به دست آمده است، نقل نموده و ثانی به اصل مقصد برمی‌گردیم. اقتباسات داخل تقریظ در صورت اصل، یعنی به زبان فارسی آمده‌اند:

تقریظ ریخته قلم جادو رقم منشی غلام محمد خان، مدیر مسئول روزنامه اوده، لکهنو.

شعر:

خذ ما کتبت بجدٍ لو ترید ثری سحرّاً حلالاً علی القرطاس بالقلم
(ترجمه: اگر ثروت و توانگری می خواهی، با تلاش فراوان بگیر، آن چه نوشته ام،
مانند جادوی حلال است، بر کاغذ و قلم)

اعجاز خسروی، از نوشته های برگزیده حضرت امیر خسرو دهلوی، کتابی است که از اسلاف تا امروز دانشمندان و ادیبان نتوانسته اند، به چنین فصاحت و بلاغت نوشته ای را پدید آورند. در این کتاب درباره هنر انشانویسی، صناعات ادبی، لطایف و ظرایف، دقایق و حقایق، نکات و معانی بحدی بیان شده اند که گویا نویسنده اختراعات و ایجادات گوناگون کلمات و معانی را جمع آوری کرده است. حق این است که خداوند متعال از ازل این گنجینه معانی را برای امیر خسرو مخصوص کرده بود. فقط برای وی در عرش معانی قفل بود. دری که این فخرالمتقدمین و امام المصنفین با کلید زبان دُر فشان خود باز کرد، و فرصتی برای ما پیدا کرد که از آن استفاده کنیم. حقیقت این است که مانند احیاء العلوم از امام غزالی، مثنوی معنوی از جلال الدین بلخی، سبعة معلقه از امرالقیس، سکندر نامه از نظامی گنجوی، گلستان و بوستان از سعدی شیرازی؛ اعجاز خسروی از امیر خسرو نیز کتابی است بسیار معروف و یادگار که چنین نوشته ای در گذشته به دنیا نیامده است و در آینده نیز نخواهد آمد. هر که به هنر انشا نویسی ذوق و علاقه داشته باشد، می تواند از این کتاب بسیار فوق العاده استفاده بکند. با مطالعه این کتاب، نه تنها می توان دبیر بیمانند فارسی شد، بلکه استعداد در علم و ادب عربی را نیز افزود، زیرا ابیات عربی نیز با نظم و نثر فارسی نقل شده اند و زبان عربی امیر خسرو کمتر از اهل زبان نیست، بلکه محاسن شعری و ویژگیهای بیان از خود اهل زبان برتر است. جالب این است که يك ادیب و فاضل و انشا پرداز بزرگ نیز مانند يك دانشجوی عادی می تواند از این کتاب استفاده کند.

اگر حاشیه این کتاب نوشته نمی شد و شرح و حل لغات و ترجمه ابیات عربی آورده

نمی شد، شاید از هزاران هزار نفر کسی نمی توانست، مفهوم اصلی را درک کند. کسانی که ادعای معنا فهمی و انشا پردازی را دارند و خود را عالم و فاضل و همه دان می پندارند، اگر این کتاب را ملاحظه بکنند، اعتقاد بنده این است که جهالت آنان بر خود ایشان روشن می گردد. حضرت امیر خسرو چه کتابی نوشته، چه کلماتی را آورده، و چه جمله های را ساخته، که هر کلمه وی دارای معانی بسیار و بیانگر هنر صنایع و بدایع است.

این کتاب در دوره علاء الدین غوری، پادشاه دهلی، نوشته شد. پس در مدح آن پادشاه نیز صنعتگری دیده می شود.

اعجاز خسروی مشتمل بر پنج رساله که هر یک بیمانند و بینظیر است. نویسنده در آغاز کتاب رسائل الاعجاز فرموده است:

”به فضل منشی بدایع آغاز کردم، ترتیب این ترسل به طراوتی که سیلاب لطافتش قلم عطارد را پای راست ستادن ندهد و موج لطایفش برجیس را آب از سر بگذرانند. از صحایف این جریده مکتوباتی در یمن کرام کتاب آید که کراماً کاتبین را یمین تعظیم به ذیل عزت آن باشد، و از نوردهای این برنیاں رقعها در آستین فضلاء انس و جان افتد که روح الامین پیوند جاننش سازد و خضر که پیش از این به چندین هزار سال آب در سیاهی انداخت، همانا انتساخ این نسخه را انتظار می کرد، و عیسی که چندین دور در بیت معمور معتکف گشت، مگر قرأت این کتاب را ترصد می نمود. هم در دیوان ازل که این دفتر به تحریر پیوست، قلم قضا بیاسود و تا ابد که روز و شب نباشد این سواد و بیاض خواهد بود. نظم:

گر از جهان برود روز و شب متریسی زانکه مقام هر دو نگه دارد این بیاض و سواد

پنهان نماند که نویسنده مانند کتابهای نویسندگان بینظیر و دبیران مشاهیر کتاب خود را در ابواب و فصول تقسیم و مرتب کرده است. فهرست کامل رساله ها به این ترتیب است:

الرساله الأولى فی المفردات و المركبات: یعنی رساله اول در بیان مفردات و مرکبات و

شامل ده خط است.

الرسالة الثانية في المرتبات من المكتوبات على عشرة خطوط: یعنی در رسالهٔ دوم ترتیب مکتوبات بیان شده است.

الرسالة الثالثة في اللطائف من المصنوعات تشتمل على خطين: یعنی در رسالهٔ سوم لطایف و صناعات عبارات و انشا در دو خط ذکر شده است.

الرسالة الرابعة في البدايع من المعنويات تشتمل على خمسة خطوط: یعنی چهارمین رساله در بیان بدیع معنوی است، در پنج خط.

الرسالة الخامسة في السوابق من المنشآت تشتمل على ستة خطوط: در رسالهٔ پنجم به روش قدیمی انشا نگاری ذکر شده و شامل شش فصل است.

خط اول: (منظور رسالهٔ اول- م.ن.) در کیفیتی چند مختلف که نمودار آن ضروری است، مشتمل بر هفت حرف.

خط دوم: در مفردات، مشتمل بر پنج حرف.

خط سوم: در لطائف الفاظ نحو و تصریف و ادوات و حروف تهجی و آنچه بدین مناسب است و نمودار انگیخت در اینها، مشتمل بر هشت حرف.

خط چهارم: در نوادری که از الفاظ و اصطلاحات علوم خیزد، مشتمل بر چهار حرف.

خط پنجم: در الفاظ مصطلح ترسلات قدیم و نمودار استعمال به رسم جدید، مشتمل بر نه حروف.

خط ششم: در مناسبت ترکیب الفاظ و القاب و اسامی و کتابتی که از اول نامه تا آغاز غرض آید، مشتمل بر سه حرف.

خط هفتم: در آغاز مضمونات و اغراض مکتوبات، مشتمل بر شش حرف.

خط هشتم: در ادعیه قدیم و جدید بر بیست حکایت، مشتمل بر سه حرف.

خط نهم: در تاریخ، مشتمل بر هفت حرف.

خط دهم: در شرائط نسبت، مشتمل بر هشت حرف.

قطعه:

هر آنچه اندر دو حرف کن معانی است از این ده خط توانی کرد معلوم
بماند این رقم چون نقش بر سنگ که بنشینند به دل چون نقش در موم

خط اول: (منظور رساله اول، بعد از آن حرفهای همین خط می آید. م.ن.) در کیفیتی
چند مختلف که نمودار آن ضروری است، مشتمل بر هفت حرف:

حرف اول: در ماجرای شرائع مترسلانه قدیم و روش جدید که از عین طبع متبحران
هند موج زده.

حرف دوم: در باعثه ابداع طرز.

حرف سوم: در صفت طریقه بخته مترسلان و بیان خامه راندن جدید کاتب.

حرف چهارم: در گسستن حمائل تضمین از این مخدره و هم از سلك نظم ملکش
سوار پوشانیدن.

حرف پنجم: در معذرت شعر عربی خویش.

حرف ششم: در ترك پیرایه های لفظی.

حرف هفتم: در التماس تصحیح و اتقان کتابت این کتاب.

بیت:

این بیت که روح را ست خانه هست از پی فرق در میانه
این فهرست فقط نشاندهنده ترتیب ظاهری کتاب است، اما تمام ویژگیهای کتاب را
با خواندن کامل آن می توان درك کرد. شخصیت حضرت امیر خسرو و این کتاب، هر دو محتاج
ستایش ظاهری نیستند، و خوبیهای این کتاب از اهل نظر پنهان نیست، بلکه فقط يك عالم و
دانشمند ارزش این کتاب را می تواند بفهمد. بنده نمی خواهد صحبت را طول بدهد، اما شایان
ذکر است که حضرت امیر خسرو عروس سخن را لباس رنگین و دلفریب پوشانیده و دل عاشقان
معنی را بروده است. زیبایی سخنان وی حوران بهشتی را مطیع خود می سازد.

دفتر اول این انشای معجز بیان با حواشی عالم بیمانند، مولوی غلام حسین کنتوری

توسط همین چاپخانه به چاپ رسیده و در چند روز به فروش رفته است، و مردم بازهم مشتاق آن کتاب هستند.

مرحوم منشی خیالی رام تمام کتاب را طوری ترتیب داده که حواشی دفتر اول را مثل سابق آورده و اصطلاحات و حواشی را اضافه کرده است. منشی نو لکشور، صاحب چاپخانه روزنامه اوده، کتاب کامل را با حواشی کامل منشی خیالی رام در ماه آوریل ۱۸۷۶ میلادی، مصادف با ماه ربیع الاول ۱۲۹۳ هجری قمری روی کاغذ درجه یک به چاپ رسانیده است. این ماده تاریخ (قطعه) در خصوص چاپ کتاب نتیجه ذوق و استعداد نواب محمد احمد حسن خان صاحب، متخلص به جوش است:

طبع گردید چو این نسخه نادر، ای جوش هاتف غیب بر افلاک به من داد آواز
فکر تاریخ ترا هست اگر مد نظر از پی سال بگو: باد چراغ اعجاز
(امیر خسرو، رساله پنجم، ۱۷۴-۱۷۵)

برگردیم به غرض اصلی امان. از پایان تقریظ معلوم می شود که مؤلف حاشیه کامل رساله های پنجگانه اعجاز خسروی منشی خیالی رام بوده و کتاب با حواشی او پس از مرگش از جانب منشی نو لکشور به چاپ رسیده است. قبل از منشی خیالی رام به دفتر اول اثر مولوی غلام حسین کنتوری حاشیه نگاشته بوده است، و کار وی در این طبع با علاوه و تکمیل به هم آمده است.

منشی خیالی رام ضمن کار خویش نسخ دگر اعجاز خسروی را هم پیش دست داشته است، چونکه چندین کورت در مورد شرح این با آن واژه از نسخه های دیگر نیز یاد کرده است. از جمله، در موارد ذیل:

الف) ”وتر: به فتحین زیه کمان و زیه هر چه باشد و در بعضی نسخ به جای وتر لفظ تیر هم دیده شد.“ (همو، رساله یکم، ۱۱۷)

در جای دیگر به طور مشخص از نسخه مولوی عبدالواسع یاد کرده است:

”در نسخهٔ مولوی عبدالواسع همین یافته شد...“ (همو، همان، همانجا).

از این نسخه موارد دیگری هم یاد شده است.

همینطور، هنگام شرح و معنی کردن کلمه ها، با توجه به نشانداد نسخه ها، اکثر شکل به نظر شارح صحیح نسخهٔ بدلها ذکر شده اند. از اینجا می توان چنین نتیجه به دست آورد که کار حاشیه نویسی منشی خیالی رام بر اعجاز خسروی، یک نوع کار تصحیح متن در زمان او نیز می باشد.

حاشیهٔ مورد نظر به صورت کتاب جداگانه چنانکه در عصرهای میانه در مورد شرح و توضیح این یا آن اثر حاصل کار شارح با نامهای گوناگون انتشار می یافت، تنظیم نشده است. بلکه نتیجهٔ کار در حاشیهٔ هر یک صفحه نگاشته شده است، و از روی آن روشهای کار شارح و مختصات نظری را استخراج و بررسی نمودن ممکن است. به طور ذیل:

۱- معمولاً ترجمهٔ کلمه، ترکیب و ابیات عربی ذکر گردیده و گاهی پیرامون بعضی واژه های ترکیب کلام عربی، خصوصیات دستوری آنها مطرح می گردد. این روش حکم عمومی داشته، و از آغاز تا آخر کتاب رعایت می شود. ترجمهٔ آیات کلام ربانی آورده می شود، اما در مورد منسوبیت آنها به سوره ها اشاره نمی شود. به احداث نبوی نیز اشاره و ترجمه آنها نوشته می شود.

۲- در مورد شرح پهلوهای معنای کلمه ها به نظر دانشمندان دیگر، از جمله اصحاب لغت عنایت فرموده، و در آخر معنی مورد نظر یا خود معنی به مراد مؤلف موافق تاکید می گردد. مثلاً، ضمن شرح واژه ”کتاب“ که در آغاز کتاب، در ترکیب عربی ”هذالكتاب...“ مندرج است، چنین آمده است:

”... و یکی از ارباب تحقیق نوشته که کتاب به کسر اول، از اوزان باب تفعیل است، به معنی نوشتن. پس به معنی مکتوب مستعمل، بر این اعتبار که مصدر به معنی مفعول گفته می شود. در این جا مراد از معنی اول است.“ (همو، همان، ۲).

مراد از "یکی از ارباب تحقیق" در این نقل قول اندیشه مؤلف کتاب "غیاث اللغات" می باشد.

۳- هنگام معنی کردن کلمه های جداگانه، طریق تلفظ درست کلمه و شرح معنائی آنها با توجه به یکی از کتابهای لغت معتبر ذکر می گردد. حاشیه نگار در کار شرح و توضیح کلمه و عبارات از فرهنگ و لغتنامه هایی که سود جسته است، گاهی با آوردن اسم پره کتاب و گاهی مختصر آن، به طور زیرین یاد کرده است:

بهار عجم، کشف اللغات، برهان، منتخب اللغات، صراح، غیاث اللغات، رشیدی، مدار، سراج اللغات، چراغ هدایت، مؤید، لطائف، کنز، مذیل الاغلاط، بحرالاجواهر، لغت بابا، سروری، مصطلحات و ارسته، زبده الفوائد، نصاب، فرهنگ عبدالرزاق، قاموس، جهان گری، حل اللغات، فرهنگ حسینی، صحاح، مرعات، جهان نما، زفان گویا.

به نظر می رسد که شارح در این میان، بیشتر به قول صاحب "منتخب اللغات" عنایت فرموده است. چون به این لغت مراجعت کردیم، معلوم شد که چنین برخورد بی سبب نبوده است:

"منتخب اللغات منتخبی از کتابهای لغت معتبر، به مثل قاموس، صحاح و صراح بوده و چنان که در مقدمه آن آمده است، کتابی است در تحقیق بیان لغات ضروریه کثیر الاستعمال که با زبان فارسی عامه فهم تنظیم گردیده است." (تتوی، ۸)

۴- انتخاب کلمه های سیر معنا و کاربرد آنها در میان ترکیب و جمله ها یکی از مختصات اساسی طریق بیان امیر خسرو محسوب می شود. از اینجاست که شارح، ضمن شرح چنین کلمه ها نخست از روی فرهنگ و لغتنامه های معتبر پهلوهای معنائی آنها را یکایک برمی شمارد، ثانی معنی مناسب را تاکید می نماید. به مثل نمونه زیر:

"سواد: در صراح به معنی سیاهی و مال کثیر و دهات گرداگرد و دانه سیاهی که در دل است، و هر عددی که بسیار باشد، نوشته و اینجا به معنی گرداگرد مناسب است..."

(امیر خسرو، رساله یکم، ۳)

۵- حدّ اقل به دو و یا سه معنی و حد اکثر دلالت بر شانزده، بیست و هشت و از آن هم زیاد معنی داشتن کلمه برمی خوریم. مثلاً، در ذیل واژه "بر" به بیست و هشت معنی دلالت کردن آن تاکید شده است. (همو، همان، همانجا) برای معنی مناسب، اکثر یک معنی نزدیک به مراد و گاهی دو معنی تاکید می شود.

۶- بعضاً با توجه به طریق هنری بیان و کلام صنعت گر ایانه امیر خسرو، صناعات بدیعی مندرج در فقره های جداگانه مشخص و یادرس می شوند. معمولترین صناعات بدیعی ای که شارح غیر از صناعات مندرج در رساله مصنوعات به آنها اشاره کرده است، اینها اند: اشتقاق، تشبیه، تجنیس و انواع آن، ضمن اللفظ، کنایه، ترجمان، متضاد، ترصیع، ایهام، مبادلة الراسین، فتح الرأس، قلب، تضاد معنوی، معما.

چنانچه اسامی صناعات بدیعی در خلال متون درج شده باشند، در حاشیه همان اصطلاح از روی معنی لغوی و اصطلاحی توضیح می یابد.

۷- در چند مورد به شمار، به کدام بحر متعلق بودن بیت، و صورت تقطیعی آن به صورت خطی و گاهی تنها تقطیع بیت ذکر می گردد. به نظر ما، توجه به این منوال، به خاطر درست خواندن ابیات عربی است. حالاتی هم به مشاهده می رسند که شارح از روی تعیین وزن شعر به سهو کاتبان نیز اشاره می کند. (همو، همان، ۱۱)

۸- مناسبت بین واژه ها در فقره ها به گونه خیلی زیاد تاکید می شود، به اندازه ای که در بعضی موارد غیرغروری می نماید.

۹- تعبیرها به صورت جامع توضیح یافته اند، به مثل نمونه های ذیل:

سرمگس: یعنی اندکی؛

زبان داد: ظهور معانی، کمال معانی؛

زبان یافته: اقرار کرد؛

به کام رسانید: به مقصود فایض گردانید؛

صحیفه غیب: مراد از لوح محفوظ، یعنی قرآن کریم.

۱۰- توجه حاشیه نگار در معنی کردن بعضی کلمه‌ها به اندازه‌ای عمیق است که پهلوه‌های معنایی واژه‌ها را به سه زبان بیان می‌کند. مثلاً به شرح معنایی لفظ “کلاب” توجه فرمایید:

“کلاب” جمع “کلب” است. در عربی به معنی سگ باشد، و در فارسی گرد برگرد دهان و منقار مرغان، و به ضم ثانی، هندویان يك شبانه روز برهنی را گویند که آن هزار سال باشد. “(همو، همان، ۱۶)

پس از چنین معنی کردن، خواننده باید به معنی مورد نظر توجه بکند، تا دریابد که منظور نویسنده کدام معنی است. اکثر با توجه به هر سه پهلوی معنایی واژه به دست آوردن رشته اندیشه ممکن می‌نماید، اما در این صورت شرط اساسی آگاه بودن خواننده از طریق بیان و مختصات سبک نگارش نویسنده می‌باشد.

ضمناً در معرفت طریق سخن خسروانه توجه به معنای ترکی بعضی واژه‌ها هم مهم است. از اینجاست که در حاشیه به شرح ترکی چند کلمه نیز دچار می‌شویم. از جمله:

تیمور: در ترکی آهن را گویند؛

قیق: کوه محیط به دنیا، یعنی کوه قاف و به زبان ترکی، نعره به آواز بلند را گویند
(همو، همان، همانجا)

۱۱- گاهی اوقات، ذیل ترکیب “حاصل این فقره این است”، مطلب مصنف با جمله نسبتاً ساده و فهمانتر، یعنی بدون پیرایه‌های بیانی بلاغی ارائه می‌گردد.

۱۲- یکی از معمولترین اصول شرح کلمه‌ها آوردن مرادف عربی آنها می‌باشد که این منوال اغلب در شرح کلمه و عباره و ترکیبات فارسی اصل استفاده شده است. در این خصوص باز توقف خواهد شد.

۱۳- در شرح و معنی کردن کلمه‌ها همچون شاهد معنای از اشعار شاعران زیادی نمونه‌ها ذکر گردیده‌اند. موافق فهرست تهیه کرده‌ام، شماره شاعرانی که از اشعار آنها شاهد معنای نقل شده است، به يك صد و شست و شش می‌رسد. به این شماره، اشعاری که بدون ذکر اسم گوینده با ترکیب "شاعری گوید" آمده‌اند، علاوه می‌گردند. در سه رساله آخر اعجاز خسروی هشتاد و شش مورد همچون شاهد معنای اشعار امیر خسرو نیز نقل شده است. به نظر می‌نماید که حاشیه نگار، بعضاً برای زیبای ظاهری حاشیه، یعنی به خاطر پُر کردن حاشیه صحیفه ذیل يك کلمه از ایجادیات شاعران زیادی نمونه‌های شاهدهی زیادی نقل می‌کند که بکلی در درك معنی همگون می‌باشند.

۱۴- حاشیه نویسنده، نظر محققانه دارد، چنین صفت کاروی در شرح واژه‌های جداگانه به مشاهده می‌آید. همچنین در لابه لای توضیحات معلوماتی نیز جای دارند که دلالت بر پهنای نظر تحقیقی و اهمیت سرچشمه کار او دارند. مثلاً با توجه به معلومات فرهنگنامه‌ها ضمن معنی کردن واژه "رشته" به صورت ذیل شرح می‌دهد:

"و این که در هندوستان به معنی خویشی و قرابت مستعمل می‌شود، در فارسی دیده نشد..." (همو، رساله چهارم، ۶۶)

روش مذکور بخصوص در مقایسه واژه‌هایی که در هند نیز رایج بوده‌اند، به نظر می‌رسد.

طریق دیگر چنین است که حاشیه نگار در توضیح کلمه‌های جداگانه از دائره معلومات کتب فرهنگ و لغت هم خارج می‌شود، و با تکیه به سرچشمه‌های ادبی دیگر، کوشش جست و جوی صورت صحیح کلمه‌ها را می‌کند. چنین روش در معرفت عمومی کلام امیر خسرو و دستیابی به پهلوهای معنایی واژه‌های سیر معنی مساعدت می‌نماید. باری، به غیر از فرهنگ و لغتنامه‌ها که سرچشمه اصلی‌اند، از کتب و رسائل ذیل استفاده شده است:

مجمع الصنائع (از این کتاب در مورد شرح صنعت ایهام استفاده شده است)، تحفة

المومنین (در مورد شرح اصطلاحات دینی)، خیابان، رساله عروض، ترجمه مقامات حریری، تشریح الحروف، شرح قران السعدین، شرح سکندرنامه (از خان آرزو)، رساله معربات، رساله نجوم، شرح قصائد عرفی، تذکرة الاولیا.

۱۵- در میان حاشیه نگاشته ها به تحقیق هم دچار می شویم. به این معنی که حاشیه نویس در مورد شرح برخی کلمه ها از دائره معنی واژه ها فراترگام نهاده، و اکثر با توجه به منابع و گاهی بدون ذکر سرچشمه ای نتیجه تدقیق خویش را منظور می گرداند. همچون مثال می توان از اندیشه هایی در ذیل کلمه های ”ذوالاکناف“، ”اولیا“ و ”جم“ ارایه گردیده اشاره کرد. (همو، رساله یکم، ۱۷، ۲۴، ۳۱)

برای نمونه تحقیق واژه آخر را نقل می کنیم:

”جم: اگر با خاتم و نگین و ماهی و امثال آن مذکور بود، مهتر سلیمان مراد بود؛ و اگر به مقابله آئینه و سد و امثال آن افتد، سلطان سکندر مراد؛ و آن که پیاله و شراب در آن بیت مرقوم باشد، جمشید معین بود؛ چون از این چیزها چیزی مستور نبود، هر چه مقتضی محل باشد، همان مراد دارند.“ (همو، همان، ۳۱)

چنین اندیشه ها که برای معرفت کامل واژه های مورد نظر بیان گردیده اند، ماهیت ادبی و معرفتی کار حاشیه نویس را دو چند گردانیده اند، و با توجه به همین منوال کار او را تألیف علمی جداگانه حسابدن غلط نیست. در این راستا، با حذف تکرارهای موجود، دسته بندی مطالب و با نظام الفبایی تهیه و به چاپ آماده کردن متن کامل حاشیه اعجاز خسروی نیز به مقصد موافق می نماید.

حاشیه اعجاز خسروی حاوی مجموع اطلاعات علمی و ادبی نیز می باشد. به این معنی که شارح ضمن شرح مطالب جداگانه بر آگاهیهای ناکفایه ما آگاهی می افزاید. مثلاً در خلال حاشیه نگاشته ها از حاشیه ای آگاه می شویم که قبل از او کس دیگری بر کتاب مورد نظر نگاشته بوده است، به طور ذیل:

”زر رشته... به معنی کلابتن در حاشیه نوشته، مگر در کتابی دیده نشد.“ (همو، همان، ۱۲).

به همین منوال از حاشیه کتاب در موارد دیگر نیز یاد می شود. (همو، همان، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۳...)

نظر حاشیه نگار به نسخ حاشیه های مورد نظر بسیار احترامانه و با حسن رعایه امانت صورت گرفته است. در بعضی حالات اندیشه مستور در حاشیه نسخ موجود را از همه معانی اولی می داند. (همو، همان، ۳۱) چنانچه واژه ای را از لغت پیدا نکرده باشد، با ذکر معنی مستور در حاشیه اکتفا می کند. (همو، همان، ۵۹) یا خود چندین شرحهایی به لغت منظوم عربی به فارسی ابونصر فراهی نگاشته شده به ما معلوم است. (نرزیقول، ۱۵-۱۷)

در حاشیه صفحه نهم رساله چهارم، ضمن شرح واژه ”عقل“ به معنی خرد و دانش، از شرح مذکور به صورت ذیل معلومات واضح جای دارد:

”عقل: بالفتح، خرد و دانش و آن قوتی است نفس انسان را که بدان تمییز دقایق اشیا کنند و آن را نفس ناطقه نیز گویند، و مولانا یوسف ابن مانع در شرح ”نصاب“ نوشته که عقل در اصل لغت مصدر است به معنی بند در پا بستن. چون خرد و دانش مانع رفتن طبیعت می شود، به سوی افعال ضمیمه، لهذا خرد و دانش را عقل گویند...“ (همو، رساله چهارم، حاشیه عقل)

باری از این نمونه ها بار دیگر اهمیت سرچشمه ای اعجاز خسروی تعیین می گردد و باز در خلال حاشیه نگاشته ها به اسامی آثار دیگر نیز دچار می شویم. برای مثال در معنی کردن مفهوم ”تشبیه“ از ملا نصیرای همدانی، نام دانشمند و ”دیباچه خاص“ وی چنین معلومات ذکر گردیده است:

”تشبیه: مانند کردن چیزی را به چیزی و با لفظ کردن مستعمل. ملا نصیرای همدانی در دیباچه خاص نوشته:

تشبه توان کرد به صحن چمنش لیکن چو نظر کنی در این جا سخنی است

(همو، همان، ۱۱)

به این مانند، موارد دیگری نیز در خلال حاشیه‌ها به اسامی تعدادی از کتاب و مؤلفان دچار می‌شویم، به مانند ذکر شیخ عبدالحق نام دانشمند که در "اخبار اخیار" گفته که "لاچن" نام ملک امیر خسرو هم هست. (همو، رساله یکم، ۲۲) "مجمع السیر" نام کتاب از شیخ الاسلام عبدالله انصاری. (همو، همان، ۲۲) و غیرهم.

همین طور اعجاز خسروی تنها شرح و معنی داد الفاظ نبوده، بلکه توضیح و تحقیق نیز هست. نظر تحقیقی حاشیه نگار در میان حاشیه نگاشته‌ها بر ملا نمودار می‌باشد. او از منابع و مآخذ گوناگون بخوبی استفاده کرده و در حالات ضروری مطالب لازمه را به گونه‌ای خاص تلخیص هم کرده است.

واقعاً زحمتی که شارح کتاب امیر خسرو متحمل شده، باعث ارج گذاری و شایان

تقدیر می‌باشد، اما در کار او، به نظر ما، چند ایرادی هم وارد است:

الف) به مناسبت بین کلمه‌های جداگانه به اندازه‌ای زیاد توجه داشته است که بعضاً حواشی صفحات را کاملاً ذکر چنین مناسبات فرا گرفته است. روش بیان مناسبت بین واژه‌ها چنین است که مجموع لغات و یا لغت علیحده ذکر گردیده و به کدام کلمه مناسبت داشتن آنها تاکید می‌شود. مثلاً الفاظ فلان، فلان و فلان مناسب به همان، یا خود برای لفظ فلان کلمه به همان...

ب) تکرار اندیشه نیز خیلی زیاد از يك صفحه به صفحه دیگر می‌کوچد. به نظر می‌رسد که حاشیه نگار در حاشیه هر صفحه، به صورت جداگانه شرح کلمات دشوار و مناسبات بین الفاظ مندرج در همان صفحه را هدف اساسی خویش قرار داده است.

پ) در متن اعجاز خسروی واژه‌های زیاد غیر فارسی نیز استفاده شده اند که آگاهی از معنای آنها در معرفت کلام مهم است. با توجه به امکان حضور معانی چنین واژه‌ها حاشیه نگار

آنها را بعضاً با معادل هندی و ترکی ذکر کرده است که گاهی به اعتبار روش فکر، در معنی مطلب مورد نظر، هیچ مناسبتی ندارند. مثلاً واژه های "خصم" و "خسرو" را در نمونه های ذیل بررسی می کنیم:

شهبسوار دین نصیر الحق توئی کز تو نصرتها ست دین و داد را
چون شوی بر پشت زین لرزد چو تیغ خصم، گرز آهن کند بنیاد را...
(همو، رساله دوم، ۳۴۳)

یاد مانند لطف خسرو را و پیش کی فراموشی بود این یاد را
(همو، همان، ۳۴۴)

توضیح واژه "خصم" در مثال نخست در حاشیه به طور ذیل است:

"خصم: بالفتح، دشمن و ضعیف و زیون و در هند شوهر را خصم گویند. قبول:

ز بس تندی بصرها تنگ می گیرند بر مردم زنان آنجا از این ره خصم می نامند شوهر را
میرحسین دهلوی:

چند گوئی ز خانه کعبه کار با خصم خانه افتادست

چنین روش شرح برای دریافت پهلوهای معنایی واژه های امثال "خصم" که در شعر پارسی بسامد چشمگیر دارند، دارای اهمیت معرفتی اند، اما در متن مورد نظر، منظور فقط معنی لغوی کلمه می باشد و بس. در این مورد چند معنای موقع ندارد. لذا دریافت معنی منظور مهمتر از معنی ای می باشد که بطور باید و شاید به اعتبار گرفته می شود.

در نمونه دوم واژه "خسرو" به صورت ذیل شرح یافته است که نمایانگر جنبه هنری

استفاده آن و دریافت معنی امکان بوده و به قضیه مربوط ارتباط دارد:

"خسرو: خان آرزو می فرمایند: خسرو: مشهور به ضم اول است و بعضی به کسر

خوانند، و استاد محقق می فرمایند که گمان دارم، صحیح به ضم اول و سوم بود. قلب: خورسو،

”خور“ آفتاب و ”سو“ فروغ. پس، معنی ترکی آن آفتاب فروغ باشد، با قلب سنجرو که ”سنج“ به معنی خوب آمده و دور نیست که مبدل خوشرو به معنی خوبرو باشد...“ (همو، همان، واژه خسرو)

ضمناً تحلیل و بررسی واژه شناسی کلام امیرخسرو، با توجه به معیارهای زبانشناسی تطبیقی، موضوع تحقیقی جالب و ارزشمندی می باشد که محقق آگاه را می خواهد. در شناخت واژه و ترکیب و عبارات کلام امیرخسرو و برای ورود به عالم رنگین رقص کلمات در سخن مشهور متن حاشیه اعجازخسروی، می تواند به مثابه یکی از مفتاحات اساسی خدمت بکند. (ت) به نظر می رسد که مخاطب حاشیه نویس، قبل از همه، خواننده پارسی خوان شبه قاره هند بوده است، چنانکه بعضاً به شرح و معنی داد عبارتهائی رو به رومی شویم که برای خواننده فارسی زبان معلوم و مفهوم بوده و نیاز به توضیح نمی ماند. در این صورت در برابر عبارتها معادل عربی آنها ذکر می گردد، مثل نمونه های ذیل:

روز بد: یوم نحس؛

روشن کن: ظاهر نما. (همو، رساله چهارم، ۵۳)

روشهای مزبور و مختصات نظر حاشیه نویس تا اندازه ای بیانگر طریق معرفت کلام فارسی در شبه قاره هند نیز می باشد. از این رو، به چند نکته دیگر اشاره خواهد شد که به مسأله مذکور گره می خورد:

نخست این که شبه قاره هند در زمان امیرخسرو یکی از مشهورترین مرکزهای رواج هنر و صنعت به حساب می رفت. دلیل واضح کارنامه همین شاعر و نویسنده توانا در زمینه سخن فارسی می باشد که حادثه ادبی انکار ناپذیر می باشد. معرفت درست کلام، شناخت ابتکارات و ابداعات و اختراعات امیرخسرو زمینه بزرگی برای تأمل عمیق در دریافت معانی اعجاز آفرین کلام در قالب سخن فارسی گردیده است که با روشهای آن شناس شدیم. همین منوال، به طور عموم و توجه به معانی لغات به صورت مخصوص در دوره های بعدینه سبب و

سرچشمه ابتکارات دیگری در حوزه ادبی شبه قاره هند می گردد.

دیگر این که حاشیه نگار، در حاشیه ای که به اعجاز خسروی نگاشته است، توجه به زبان فارسی ماوراءالنهر داشته است که این حالت بی سبب نیست. در شبه قاره هند زبان فارسی ماوراءالنهری بیشتر رایج بوده و اعجاز خسروی در تکیه به همین شاخه بزرگ زبان فارسی نوشته شده است. این معنی را در خلال حاشیه نگاشته ها هم خواندن ممکن است، به مثل نمونه ذیل:

“... و چون لفظ ”نان“ به لهجه ایرانیان خوانده شود، ”نون“ می شود. (همو، رساله

یکم، ۱۵۵)

یا خود دلیل دیگر این است که غیر از الفاظ عربی تعداد زیاد واژه هائی را که حاشیه نویس باره ذکر مرادف عربی کلمه معنی کرده است، برای خواننده امروز تاجیک نیاز به شرح ندارند. مثلاً در ترکیب ”کلید درهای سماوات“ برای خواننده تاجیک شاید واژه ”سماوات“ نیاز به شرح داشته باشد، اما حاشیه نویس آن را به صورت ”کنز دروازه های آسمانها“ معنی کرده است که معنی ”کنز“ نه کلید، بلکه گنج، خزینه، دفینه می باشد.

درباره زبان فارسی هند و مناسبت آن به فارسی تاجیکی، توجه امیر خسرو به فارسی ماوراءالنهر و رواج آن در قلمرو هند تاریخی در خلال تحقیقات دانشمندان نیز می توان با اشاره های قابل توجه برخورد. (Borah, 1934؛ عالماف، انت؛ سلیمی ۱۳۷۲ ش؛ احمد ۱۳۶۷ ش؛ علی یوف ۱۹۶۸ م؛ علی مردان اف ۱۹۶۸ م؛ مختاراف ۲۰۰۸ م)، اما تحقیق کامل و فراگیر این مسأله مجالی دیگر می خواهد.

کتابشناسی:

- احمد، عزیز احمد (۱۳۶۷ ش) تاریخ تفکر اسلامی در هند، برگردان از تقی لطفی، تهران.
- امیر خسرو دهلوی (۱۸۷۲ م) اعجاز خسروی، جلد های یکم و دوم، لکهنو، هند.
- همو (۱۸۷۶ م) اعجاز خسروی، جلد های سوم، چهارم و پنجم، لکهنو، هند.

۲۴ مصباح‌الدین نرزیقول محمود زاده/ روشحاشیه نگاری منشی خیالی رام بر اعجاز خسروی

- سلیمی، مینو (۱۳۷۲ش) روابط فرهنگی ایران و هند، تهران.
- عالماف، انت، مظفر (۱۹۹۸م) تاجیکان در هند: دولت و دولت داری، بایگاه اینترنتی خانه نشیاتی شویتسیه.
- علی اف گ. یو (۱۹۶۸م) ادبیات فارسی زبان هند، مسکو، شوروی.
- علی مردان اف (۱۹۶۸م) امری یزدان، استاد عینی و ادبیات تاجیک زبان هندوستان و پاکستان، دو شنبه، تاجیکستان.
- مختار اف، احرار (۲۰۰۸م) رودکی و میراث او، دو شنبه، تاجیکستان.
- نرزیقول، مصباح‌الدین (۱۹۹۸م) ادبیات شناسی فارسی تاجیکی در عصرهای سیزدهم و چهاردهم، دو شنبه، تاجیکستان.
- نصرالدین اف، عبدالمنان (۱۹۹۰م) نویسنده و شارح آثار ادبی، دو شنبه، تاجیکستان.
- همو (۱۹۹۱م) معرفت و شرح ادبیات، دو شنبه، تاجیکستان.
- همو (۲۰۰۰م) شرح نویسی در تاریخ ادب فارس تاجیک، قسم ۱، خجند، تاجیکستان.
- همو (۲۰۰۱م) شرح نویسی در تاریخ ادب فارس تاجیک، قسم ۲، خجند، تاجیکستان.

Borah M.L. (1934) The Nature of the Persian Language written and spoken in India during the 13th and 14th centuries. -Bulletin of the School of Oriental Studies (BSOS), vol. YII, part 2, L.,